

بررسی و تحلیل اولویتهای فکری دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف

امید آهنچی^۱

چکیده

هدف: هدف این پژوهش، دستیابی به اولویتهای فکری دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف و بررسی وجود آن اولویتهای در سرفصلهای رایج دروس معارف اسلامی بود. بدین منظور، پژوهش حاضر از منظر هدف، کاربردی است. **روش:** روش گردآوری دادهها، توصیفی پیمایشی بوده و ابزار جمع‌آوری دادهها پرسشنامه است. جامعه آماری پژوهش را دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه صنعتی شریف تشکیل می‌دهند که از میان آنان با توجه به فرمول کوکران، 356 دانشجو به صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه میان آنها توزیع شد. **یافته‌ها:** نتایج به دست آمده حاکی از آن است که از منظر دانشجویان، تحلیل و بررسی مسائل اجتماعی عصر حاضر از بالاترین سطح اولویت برخوردار است و میان سایر مباحث مطرح شده در پرسشنامه که شامل موضوعات مرتبط با اصول عقاید، خانواده و سبک زندگی، مباحث اخلاقی و در نهایت مباحث فلسفی است، از منظر آماری تفاوت معناداری وجود ندارد. **نتیجه‌گیری:** بر اساس نتایج این پژوهش و اولویت دانشجویان برای تحلیل مسائل اجتماعی نسبت به سرفصلهای رایج دروس معارف اسلامی، لازم است به منظور اقناع مخاطبان و شکل‌گیری نظام معرفتی دقیق و منسجم در ذهن دانشجویان، مسائل اجتماعی عصر حاضر به طور جدی واکاوی شوند.

واژگان کلیدی: اولویت فکری، دانشگاه صنعتی شریف، مسائل اجتماعی، دروس معارف اسلامی.

◆ دریافت مقاله: 96/06/01؛ تصویب نهایی: 97/01/23.

1. دکتری فلسفه و حکمت اسلامی، استادیار مرکز معارف اسلامی و علوم انسانی، دانشگاه صنعتی شریف/ نشانی: تهران، خیابان آزادی، دانشگاه صنعتی شریف، شماره: 66005110 / Email: ahanchi@sharif.ir

الف) مقدمه

یکی از اهداف تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاهها، آشنایی دانشجویان با مباحث فکری و معرفتی و تأثیرپذیری آنان از این مباحث و در نتیجه، تغییر رفتار آنان در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی است. انسان موجودی مختار است و تمامی افعال اختیاری خود را پس از سنجش و بررسی جوانب آن، عملی می‌کند؛ بدین سبب برای دستیابی به تغییرات رفتاری در او، باید از تغییر در فکر و اندیشه‌اش آغاز کرد.

در مباحث فلسفی روشن شده است که نظر و عمل از ارتباط وثیق و عمیقی با یکدیگر برخوردارند. حکما و فلاسفه از دیرباز در خصوص رابطه عقل نظری و عملی، آرای گوناگونی داشته‌اند. آنچه در این مقدمه مد نظر است؛ بیانی اجمالی از مهم‌ترین دیدگاهها در خصوص ارتباط عقل نظری و عملی است تا در پی تبیین این ارتباط، جایگاه عقل نظری و اهمیت پرداختن به مسائل مربوط به آن مانند موضوعات فکری و اعتقادی برای تغییر در رفتار آدمیان مشخص شود.

فلاسفه اسلامی معتقدند انسان از دو ساحت مادی (بدن) و غیرمادی (نفس) برخوردار است (ابن سینا، 1375: 80؛ سهروردی، 1380، ج 2: 147-145، 167-165). ساحت غیر مادی انسان نیز دارای سه مرتبه نفس نباتی، حیوانی و ناطقه است. هر کدام از این مراتب نفس نیز دارای قوایی می‌باشند؛ مانند قوه غاذیه، نامیه و مولده برای نفس نباتی؛ قوه محرکه و مدرکه برای نفس حیوانی و قوه عالمه (عقل نظری) و عامله (عقل عملی) برای نفس ناطقه (ابن سینا، 1383: 16-11). برای تحلیل ارتباط میان عقل نظری و عملی، به سبب رعایت اختصار، تنها به دو دیدگاه اصلی و رایج اشاره می‌کنیم.

قائلین به دیدگاه اول معتقدند که عقل نظری و عملی، هر دو قوایی از سنخ ادراک و فهم‌اند؛ اما تفاوت آنها در جنس مدرکاتشان است. متعلق ادراک عقل نظری، امور مربوط به جهان هستی و «هست‌ها» نیست‌هاست؛ اما متعلق ادراک عقل عملی، «بایدها و نبایدها» است که مربوط به امور تحت اختیار انسان است (ابن سینا، 1980: 42؛ فارابی، 1405: 55-54؛ صدرالدین شیرازی، 1360: 199). بر این اساس، اشتراک عقل عملی و نظری در مدرک بودن و افتراقشان در مدرکاتشان است.

در مقابل این دیدگاه، برخی دیگر از فلاسفه معتقدند که بین عقل نظری و عملی، تفاوت ماهوی وجود دارد. عقل نظری، مبده شناخت تمامی مدرکات و عقل عملی، مبده و مصدر افعال انسانی است (ابن سینا، 2007: 19-20؛ جوادی آملی، 1382/ب: 188؛ همو، 1378: 76؛ همو، 1382/الف، ج 1: 154-153). انسان پس از تصور فعل و تصدیق فوایدش، شوقی در خود احساس می‌کند که در صورت شدت یافتن، منجر به ایجاد اراده می‌شود. ملاصدرا در برخی از آثارش معتقد است مبده ایجاد اراده در آدمیان، عقل عملی نام دارد. در این چارچوب، اراده، ایمان، اخلاص، نیت، توکی، تبری، محبت و عزم آدمی و همچنین حالات و عواطفش که از سنخ امور شناختی نیستند، منتسب به عقل عملی می‌شوند. (صدرالدین شیرازی، 1981، ج 6: 342-341؛ همو، 1422: 183-182؛ اردکانی، 1375: 324)

بررسی و تحلیل اولویت‌های فکری دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف 171

در قالب دیدگاه دوم، عقل نظری، مدرک حکمت نظری و عملی (شامل امور مربوط به «هست‌ها و نیست‌ها» و همچنین «بایدها و نبایدها») و عقل عملی، مجری ادراکات عقل نظری است. بدین سبب، توجه عقل نظری معطوف به مافوق خود و عالم مفارقات و عقل عملی متوجه مادون خود و تدبیر بدن است (صدرالدین شیرازی، 1354: 301؛ همو، 1422: 241-240). به عبارتی؛ عقل عملی، خادم عقل نظری و مجری ادراکات اوست.

بر اساس رای فلاسفه (اعم از دیدگاه اول یا دوم)، تقدّم مباحث نظری بر عملی و همچنین اثرگذاری مباحث فکری و معرفتی در رفتار موجوداتی مختار مانند انسان مسلم است. بنابر این، اگر بخواهیم شاهد تغییر در رفتار آدمیان و اراده آنان باشیم؛ باید به مبانی شناختی و مباحث مرتبط با عقل نظری آنان توجه کنیم. البته این سخن بدین معنا نیست که همواره به محض تحقق علم، فعل صواب از انسان صادر شود؛ چرا که به بیان علامه طباطبایی، صرف وجود و تحقق علم، ملازم با هدایت نیست؛ بلکه التزام به نتایج علم و دوری از هوای نفس، ملازم با هدایت است. بدین سبب، همه آنانی که می‌دانند، سعادت‌مند نمی‌شوند؛ بلکه تنها کسانی که به محتوای علمشان ملتزم‌اند و از هوای نفس دوری می‌کنند، روی سعادت و هدایت را می‌بینند. (طباطبایی، 1374، ج 18: 264)

پس از تبیین اجمالی رابطه عقل نظری و عملی و روشن شدن اهمیت مباحث فکری مرتبط با عقل نظری؛ توجه به جایگاه دانشجویان در جامعه می‌تواند راهگشا باشد. قشر جوان هر جامعه و به ویژه دانشجویان یک اجتماع، به مثابه موتور محرک جامعه به سوی کمال محسوب می‌شوند؛ بدین سبب برای دستیابی به کمال اجتماعی و فردی و اصلاح حرکت جامعه در زمان حال و آینده، باید مسائل فکری و اعتقادی دانشجویان و مباحث مرتبط با عقل نظری آنان، بررسی و تحلیل شوند؛ زیرا عدم دریافت پاسخ مناسب در حوزه مباحث فکری و اعتقادی برای دانشجویان، از یک سو باعث سرخوردگی و یأس آنان شده و از سوی دیگر، این موتور محرک باارزش جامعه، به عاملی برای سکون و یا حتی انحطاط جامعه بدل می‌شود. بنابر این، پس از بررسی و تحلیل دغدغه‌های فکری دانشجویان، باید به دنبال پاسخهای مناسب آن بود تا هم از سرخوردگی و یأس دانشجویان جلوگیری به عمل آید و هم جامعه از فواید این موتور محرک بی‌بديل بهره‌مند شود.

در میان خیل عظیم جوانان و دانشجویان، قاعدتاً بررسی نیازهای دانشجویان دانشگاه‌های برتر، اهمیتی مضاعف دارد. به نظر می‌رسد این گروه، اقتضات و نیازهای خاص خود را دارند؛ بنابر این، باید مسائل فکری و اعتقادی آنان به طور مجزا بررسی شود تا در پی آن به پاسخهایی مطابق و درخور دست یابیم. بدین سبب، شناخت اولویت‌های فکری دانشجویان از یک سو و دانشجویان دانشگاه‌های برتر از سوی دیگر، برای برنامه‌ریزان فکری و معرفتی در جامعه بسیار مهم و حیاتی است.

نکته شایسته توجه دیگر اینکه، آثار بالقوه دروس معارف اسلامی تنها در صورتی محقق می‌شوند که این دروس بتوانند با مخاطبان خود ارتباط مؤثر برقرار کنند. ناگفته پیداست که نخستین عامل برای برقراری ارتباط مؤثر این دروس با مخاطبان، همخوانی عناوین طرح‌شده با دغدغه‌ها و مسائل فکری و اعتقادی دانشجویان است. بدین سبب، انجام تحقیقاتی از نوع تحقیق حاضر، در دانشگاه‌های مختلف و در بازه‌های زمانی مشخص، برای پایش اولویتهای فکری دانشجویان ضروری و لازم است.

نکته‌ای که برخی را بر آن داشته تا از انجام چنین پژوهشهایی صرف نظر کنند، تکیه بر یافته‌های شخصی افراد باتجربه در این حوزه است. اینان معتقدند که با تکیه صرف بر این تجربیات، می‌توان به چارچوب فکری دارای اولویت برای دانشجویان دست یافت. در مقام نقد چنین تفکری باید گفت که بهره‌مندی از نظرات افراد باتجربه در این زمینه بدون شک ارزشمند و درخور توجه است؛ اما این مطلب نباید به این نتیجه منتهی شود که با بسنده کردن به این تجربیات، از پایش مسائل فکری جوانان و دانشجویان غفلت کرد. به بیان دیگر؛ ارزشمندی این تجربیات نباید به انحصار توجه به آن و نفی راههای دیگر برای دستیابی به اولویتهای فکری دانشجویان منتهی شود.

ب) بیان و اهمیت مسئله

همخوانی میان مباحث ارائه‌شده توسط اساتید با دغدغه‌ها و مسائل فکری دانشجویان، از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند زمینه‌ساز برقراری ارتباط مناسب بین استاد و دانشجو و تفاهم میان آنان شود. در صورت خدشه‌دار شدن این تفاهم و ارتباط فکری، باب ارتباط میان استاد و دانشجو بسته شده، دیگر نمی‌توان امید به دستیابی به نتایجی ارزشمند را داشت. دروس معارف اسلامی ارائه‌شده در دانشگاهها نیز از این قاعده کلی مستثنا نیستند و نیازمند پایش میزان همخوانی بین مطالب ارائه‌شده و نیاز مخاطبانند. از این رو در جوامع دانشگاهی، استخراج اولویتهای فکری دانشجویان از دغدغه‌ها و نیازهای اولیه آموزشی محسوب می‌شود. مسئله اصلی این نوشتار نیز به همین امر معطوف است. سؤال اصلی پژوهش این است که: چه اولویتهای میان مسائل فکری موجود در ذهن دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف وجود دارد؟

تحقیقاتی که تاکنون در حوزه‌های مرتبط با دروس معارف اسلامی صورت گرفته، معطوف به موضوعاتی از قبیل میزان سودمندی دروس معارف اسلامی، بررسی محتوایی و جذابیت کتب دروس معارف از دید دانشجویان، میزان تسلط اساتید دروس به مطالب و... بوده است که پژوهشهای ارزشمند و درخوری در جایگاه خودشان و در مقام تحلیل وضع موجود می‌باشند. اما به نظر می‌رسد برای ساختن بنایی فاخر در حوزه تدریس دروس معارف اسلامی، نخست لازم است اولویتهای فکری و معرفتی دانشجویان را

173 **◆** بررسی و تحلیل اولویتهای فکری دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف

که با آن درگیرند، با روشهای دقیق و علمی احصا کرد و سپس بر آن اساس، روندهای مناسب آموزشی در دروس معارف اسلامی را سامان بخشید. بدین سبب، انجام چنین تحقیقاتی ضروری و لازم است.

نکته مهم، دقت در این مطلب است که برنامه‌ریزی‌های معرفتی و فکری باید بر اساس نیاز مخاطب و به صورت کاملاً دقیق و مبتنی بر نیازهای مخاطبان باشد؛ بدین معنا که برنامه‌ریزان معرفتی و فکری نباید به برنامه‌ریزی‌های کلی اکتفا کنند؛ زیرا این نوع از برنامه‌ریزی دو آفت مهم در پی خواهد داشت: نخست، عدم تأثیرپذیری مخاطب و در نتیجه، عدم حصول نتیجه برای برنامه‌ریزان آموزشی و دوم که از جهتی از آفت نخست مهم‌تر است، بسته شدن باب تعامل فکری بین استاد و دانشجو؛ زیرا برای این دسته از مخاطبان این توهم حاصل می‌شود که بهترین و متناسب‌ترین دوره آموزشی معرفتی را طی کرده‌اند، اما پاسخ نیازهای خود را نیافته‌اند؛ حال آنکه اساساً این دوره برای آنان طراحی نشده است. بدین سبب، انجام تحقیقاتی مانند آنچه در پی می‌آید، لازم و ضروری است.

پس از تبیین ضرورت و اهمیت انجام چنین پژوهشی، برای بررسی میدانی چنین مسئله‌ای، لازم است تا ابتدا موضوعات مرتبط با مسائل اعتقادی دانشجویان مشخص شوند و سپس به محک آرای دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف درآیند تا در پی این سنجش، میزان اهمیت این موضوعات برای دانشجویان روشن شود. پس از آن، موضوعات دارای اهمیت از منظر دانشجویان، با موضوعات و سرفصلهای فعلی دروس معارف اسلامی دانشگاهها سنجیده خواهند شد تا در پی این پژوهش، به پاسخ دو سؤال دست یابیم:

1. اولویت موضوعات فکری دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف چیست؟
2. آیا موضوعات فعلی دروس معارف اسلامی، جزء موضوعات دارای اولویت دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف می‌باشند یا خیر؟

(ج) پیشینه تحقیق

جستجو در خصوص بررسی و تبیین اولویتهای فکری دانشجویان در دانشگاه صنعتی شریف، نشان داد که تا کنون پژوهش یا مقاله‌ای در این زمینه ارائه نشده و ادبیات پژوهش نیز حاکی از این است که پژوهشی با این عنوان و هدف تا کنون انجام نشده است. از سوی دیگر، با توجه به جستجوهای نگارنده، بررسی اولویتهای فکری دانشجویان به صورت عمومی و نه صرفاً مختص دانشگاه صنعتی شریف نیز به عنوان یک پژوهش مستقل صورت نگرفته است. این امر می‌تواند حاکی از مغفول ماندن این امر مهم، در نظام آموزشی مرتبط با حوزه‌های معرفتی و دینی باشد. با این حال، در برخی پژوهشها و مقالات به نحوه نگرش دانشجویان به

دروس معارف اسلامی و میزان تأثیرپذیری آنان از این دروس و همچنین جایگاه استادان معارف اسلامی و آسیب‌شناسی وضعیت موجود پرداخته شده که به برخی از آنها اشاره‌ای خواهد شد.

مجیدی و فاتحی طی مقاله‌ای به بررسی میزان غنای علمی و استدلال منطقی و همچنین توان پاسخگویی و به روز بودن متون درسی معارف اسلامی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که 50/1 درصد از 2100 نفر دانشجوی نمونه آماری، با غنای علمی و استدلال منطقی محتوای دروس معارف، موافق یا کاملاً موافق بوده‌اند. این درصد برای رفع نیازهای دانشی و بینشی، 32/9 و پاسخگویی و به روز بودن محتوای این دروس، 38/5 درصد بوده است. نکته قابل تأمل، رأی 21/2 درصدی مخاطبان این پژوهش به ادبیات روان، جذّاب و باورآفرین نسبت به محتوای کتب دروس معارف بوده است. (مجیدی و فاتحی، 1385: 41)

یوسفی لویه طی پژوهشی به تأثیر دروس معارف اسلامی به تفکیک عنوان درس، بر نگرش دینی دانشجویان با حجم نمونه 1900 نفر پرداخت و نتیجه گرفت که گذراندن دروس معارف اسلامی 1 و 2 نسبت به سایر دروس از اهمیت بیشتری در ایجاد نگرش دینی دانشجویان برخوردار بوده و گذراندن یا نگذراندن سایر دروس معارف اسلامی در زمان انجام تحقیق هیچ تأثیری بر افزایش یا کاهش نگرش دینی دانشجویان نداشته است. (یوسفی لویه، 1386: 5)

فیروزی در پژوهش خود عمدتاً به اثبات ضرورت برای تدوین طرحی جامع برای دروس معارف اسلامی پرداخته است. گرچه وی به لزوم دست یافتن به دغدغه‌های دانشجویان و پرسشهای مهم و مطرح در میان آنان و دانستن مهم‌ترین چالشهای فراروی نسل جوان دانشگاهی تأکید دارد؛ اما عمده تلاش این پژوهشگر نیز مانند دیگران، متمرکز بر تبیین و تحلیل نگرش دانشجویان به استادان معارف اسلامی و جایگاه آنان بوده است. برای مثال، او به بررسی میزان اهمیت ارائه پاسخ مستدل و منطقی از طرف استاد، اهمیت توانمند بودن استاد در پاسخ به شبهات و اشکالات علمی، میزان تأثیر توانایی و تسلط علمی استاد و تأثیر و اهمیت آشنایی استاد با مباحث جدید از منظر دانشجویان پرداخته است. بر اساس پژوهش او، 89/4 درصد از دانشجویان به اهمیت و لزوم ارائه پاسخ مستدل و منطقی از طرف استاد رأی خیلی زیاد و زیاد را دادند. 88/2 درصد از دانشجویان نیز لزوم آشنایی استاد با مسائل جدید را با ملاک خوب و خیلی خوب ارزیابی کردند. (فیروزی، 1394: 63)

عمده تلاش حلیمی جلودار در مقاله‌اش معطوف به این است که میزان گرایش دانشجویان را به دروس معارف اسلامی از حیث ابعاد شناختی، احساسی و عملی روشن سازد. نتایج تحقیق او نشان می‌دهد که در بُعد شناختی، بیش از نیمی از دانشجویان (53/2 درصد) معتقدند که دروس معارف اسلامی رسالت خود را انجام نداده است. آگاهی‌های دینی حدود نیمی از دانشجویان (47/5 درصد) پس از گذراندن دروس معارف اسلامی افزایش نیافته است و 41/7 درصد از دانشجویان، موضوعات دروس معارف اسلامی را

بررسی و تحلیل اولویتهای فکری دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف 175

متناسب با تحولات زمانی ارزیابی نمی‌کنند. در حوزه ابعاد احساسی نیز حدود نیمی از دانشجویان (45/1 درصد) پس از گذراندن دروس معارف اسلامی احساس اشباع معرفتی نمی‌کنند و تنها کمتر از یک سوم دانشجویان (28/2 درصد) به این دروس احساس تعلق خاطر می‌کنند. در بُعد عملی نیز میزان مشارکت دانشجویان در مباحث کلاسی 42/2 درصد است و همچنین 41/3 درصد از دانشجویان پس از گذراندن دروس معارف اسلامی، تغییر مثبت در تربیت دینی یافته‌اند. حلیمی جلودار پس از تحلیل یافته‌های پژوهش خود به این نتیجه می‌رسد که بیشترین میزان گرایش دانشجویان به جنبه احساسی و کمترین آن به جنبه شناختی معطوف است که این امر می‌تواند زنگ خطری جدی برای مدیران کلان معارف اسلامی و برنامه‌ریزان فرهنگی در حوزه دانشگاه باشد. (حلیمی جلودار، 1394: 64)

جمع‌بندی پیشینه پژوهش و بررسی ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که پژوهشی در این حوزه و با رویکرد بررسی اولویتهای معرفتی از نگاه خود دانشجویان صورت نپذیرفته است.

د) مخاطبان پژوهش حاضر

مسئله اصلی این نوشتار، پاسخ به این پرسش است که آیا اکتفا به سرفصلهای موجود در حوزه مباحث اعتقادی دروس معارف اسلامی برای دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف مطلوب است یا خیر؟ به بیان دیگر؛ از منظر دانشجویان این دانشگاه، آیا نباید موضوعاتی جدید را در سرفصلهای این دروس گنجانند یا موضوعاتی را حذف کرد؟

مخاطبان مستقیم این پژوهش عبارتند از: مدیران کلان معارف اسلامی در دانشگاهها که به طراحی اسناد بالادستی در این حوزه همت می‌گمارند، مؤلفان و نویسندگان متون درسی و کتب دروس معارف اسلامی و همچنین اساتید محترم دروس معارف اسلامی در دانشگاهها که سهم اصلی را در تحقق اهداف تدریس دروس معارف اسلامی بر عهده دارند. با توجه به محل انجام این پژوهش، برنامه‌ریزان و اساتید محترم دانشگاه صنعتی شریف سود بیشتری از این پژوهش خواهند برد؛ اما بدیهی است که با توجه به مشابهت احتمالی نتایج این پژوهش، حداقل میان دانشگاههای برتر کشور، همه دست‌اندرکاران فعالیتهای فرهنگی به فراخور حوزه فعالیتشان می‌توانند از دستاوردهای آن بهره‌مند شوند.

ه) روش تحقیق

پژوهش حاضر از منظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی به شمار می‌رود؛ چراکه هدف از انجام آن، توسعه دانش کاربردی درباره چگونگی برنامه‌ریزی دروس معارف به منظور بالا بردن اثربخشی آموزش مسائل

اعتقادی میان نسل جوان، به ویژه دانشجویان است و نتایج آن می‌تواند توسط اعضای شورای سیاست‌گذاری و اساتید معارف و علوم اسلامی در دانشگاهها استفاده شود. از سویی، این پژوهش بر اساس روش گردآوری داده‌ها، از نوع تحقیقات توصیفی - پیمایشی است؛ توصیفی بدین سبب که پژوهشگر سعی کرده آنچه هست را بدون دخالت و استنتاج ذهنی گزارش دهد و به توصیف عینی واقعیات در خصوص اولویت مسائل اعتقادی در ذهن دانشجویان پردازد و پیمایشی بدین سبب که وضعیت این اولویت‌بندی را با بررسی نظرات دانشجویان می‌سنجد. ابزار به کار رفته در این پژوهش، پرسشنامه است. جامعه آماری پژوهش را دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه صنعتی شریف تشکیل می‌دهند که از میان آنان با توجه به فرمول کوکران، 356 دانشجو به طور تصادفی انتخاب شدند. پرسشنامه میان آنان توزیع و پس از تکمیل، جمع‌آوری شد.

به منظور دستیابی به آرای دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف و اولویتهای فکری ایشان، ابتدا موضوعات مهم و کلیدی در حوزه مباحث فکری و اعتقادی با مشورت اساتید باتجربه و خیره در دانشگاههای صنعتی شریف، تهران و تربیت مدرس مشخص و در قالب پنج دسته کلی دسته‌بندی و بر اساس آنها پرسشنامه پژوهش طراحی شد. دانشجویان در این پرسشنامه پس از تکمیل مشخصات فردی، می‌توانستند به موضوعات مطرح شده، بر اساس میزان اولویت خود، عددی بین یک تا هفت را تخصیص دهند. عدد یک برای کمترین میزان اهمیت و عدد هفت برای بیشترین میزان اهمیت نزد آنان بود. پنج دسته کلی مرتبط با موضوعات فکری مطرح شده در پرسشنامه و گروههای ذیل آنها عبارتند از:

1. موضوعات مرتبط با اصول عقاید؛ مباحث مرتبط با این دسته در قالب چهار گروه توحید، نبوت، امامت و معاد دسته‌بندی شدند. موضوعاتی از قبیل ضرورت اثبات عقلانی وجود خدا، اثبات عقلانی نیاز به دین در عصر حاضر، عصمت پیامبران و امامان، اعجاز قرآن، دلایل عدم تحریف قرآن، اثبات عقلی وجود معاد، بررسی اولین جانشین برحق پیامبر اسلام، بررسی علت غیبت امام عصر و بررسی ضرورت وجود امام معصوم پس از پیامبر اسلام در دسته مباحث مرتبط با اصول عقاید جای گرفتند.

2. موضوعات مرتبط با خانواده و سبک زندگی؛ مباحث مرتبط با این دسته معطوف به موضوعاتی همچون: معیارهای انتخاب همسر، راههای برطرف کردن مشکلات خانوادگی و زناشویی، بررسی سبک زندگی اسلامی و ایرانی و راههای دست یافتن به بهترین سبک زندگی است.

3. موضوعات مرتبط با مباحث اخلاقی و فلسفه آن؛ مباحث این دسته به موضوعاتی مانند راههای تقویت ایمان، بررسی راههای رشد عقلانیت در انسان، بررسی معیار فعل اخلاقی و تحلیل نسبی یا مطلق بودن اخلاق اشاره دارد.

4. **موضوعات مرتبط با مسائل اجتماعی عصر حاضر؛** در این دسته به مباحثی از جمله: حقوق زن، بررسی لزوم حجاب اجباری در جوامع اسلامی، بررسی حد روابط دختر و پسر، بررسی مفهوم آزادی در عصر حاضر و همچنین بررسی مسئله صلح و خشونت در اسلام می‌پردازد.

5. **موضوعات مرتبط با مباحث فلسفی؛** مباحث این دسته نیز عمدتاً متمرکز بر موضوعات مرتبط با معرفت‌شناسی (بررسی وجود جهان خارج، بررسی امکان شناخت و بررسی راه‌های جلوگیری از خطاهای ادراکی)، نفس‌شناسی (اثبات تجرد نفس و تحلیل رابطه نفس و بدن از منظر اسلام و مکاتب فلسفی)، هدف زندگی و بحث جبر و اختیار است.

نکته در خور توجه درباره موضوعات پنج‌گانه مطرح شده در این پژوهش، این است که سه دسته آن (اصول عقاید، خانواده و سبک زندگی و مباحث اخلاقی و فلسفه آن)، عموماً اشاره به موضوعات و سرفصل‌های فعلی دروس معارف اسلامی دانشگاهها دارد. اما دو دسته دیگر (مسائل اجتماعی عصر حاضر و مباحث فلسفی) اشاره به عناوین و موضوعاتی دارند که در حال حاضر یا اصلاً در سرفصل‌های درسی وجود ندارد یا بسیار مختصر و گذرا در برخی از کتب دروس معارف اسلامی به آنها پرداخته شده است. دقت به این نکته ما را قادر می‌سازد تا به نحو مطلوبی پس از بررسی نتایج، به پاسخ این سؤال دست یابیم که آیا موضوعات فعلی دروس معارف اسلامی، جزء موضوعات دارای اولویت دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف می‌باشند یا خیر؟

پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، اطلاعات ابتدا در نرم‌افزار اس.پی.اس.اس. وارد و سپس تحلیل و بررسی شد که نتایج آن در ادامه خواهد آمد.

و) یافته‌های پژوهش

در این بخش، نتایج حاصل از پژوهش، در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی ارائه شده است. آمار توصیفی به نتایجی اشاره دارد که معطوف به تبیین اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش، شامل جنسیت، وضعیت تأهل، محل سکونت، رتبه ورود به دانشگاه و معدل کل دانشجو است. آمار استنباطی نیز به تحلیل نتایج و بیان میزان اهمیت موضوعات پنج‌گانه از منظر دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه صنعتی شریف می‌پردازد.

1. آمار توصیفی

نخستین شاخص بررسی شده در اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان، جنسیت است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل این متغیر نشان می‌دهد که 53/2 درصد از شرکت‌کنندگان، مرد و 44/3 درصد از آنان زن

178 ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 75

بوده‌اند. 2/5 درصد هم پاسخی به این پرسش نداده‌اند. بنابر این، در این پژوهش تعداد پسران شرکت‌کننده، اندکی بیشتر از دختران است.

دومین شاخص، وضعیت تأهل است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل این متغیر حاکی از آن است که 3/4 درصد از شرکت‌کنندگان، متأهل و 93/7 درصد آنان مجرد بوده‌اند. 2/9 درصد هم پاسخی نداده‌اند. بنابر این، مطابق انتظار، اکثر شرکت‌کنندگان در این پژوهش، مجرد می‌باشند.

سومین شاخص، محل سکونت است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل این متغیر نشان می‌دهد که 68/1 درصد ساکن تهران و 28/2 درصد ساکن شهرهایی غیر از تهران می‌باشند. 3/7 درصد هم پاسخ نداده‌اند. بنابر این، حدود 70 درصد از شرکت‌کنندگان در این پژوهش، ساکن تهران بوده و خوابگاهی نیستند.

شاخص بعدی در توصیف وضعیت اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان، رتبه آنان در آزمون ورودی است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل این متغیر در جدول 1 نشان داده شده است.

جدول 1: توزیع فراوانی متغیر «رتبه» شرکت‌کنندگان

رتبه	فراوانی	درصد
1-100	92	26,4
101-500	119	34,2
501-1000	56	16,1
1001-3000	41	11,8
بالتر از 3000	19	5,5
بدون پاسخ	21	6
جمع کل	348	100/0

با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش، روشن می‌شود که بیش از 60 درصد از شرکت‌کنندگان، رتبه ورود به دانشگاهشان بین 1 تا 500 بوده است.

شاخص دیگری که در توصیف وضعیت اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان بررسی شد، معدل آنان بود. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل این متغیر در جدول 2 نشان داده شده است.

جدول 2: توزیع فراوانی متغیر «معدل» شرکت کنندگان

معدل	فراوانی	درصد
بالاتر از 19	17	4,9
18-19	54	15,5
17-18	59	17
16-17	64	18,4
15-16	54	15,5
14-15	48	13,8
کمتر از 14	19	5,5
بدون پاسخ	33	9,5
جمع کل	348	100/0

با تحلیل اطلاعات مربوط به معدل کل، مشخص می‌شود که بیشترین فراوانی شرکت کنندگان از حیث معدل کل با 18/4 درصد بین 16 تا 17 بوده است. پس از آن، 17 درصد شرکت کنندگان دارای معدل کل بین 17 تا 18 بوده‌اند؛ اما شرکت کنندگانی که معدلشان بین 18 تا 19 و 15 تا 16 بوده‌اند به یک میزان و 15/5 درصد بوده است. بنابر این، 55/8 درصد از شرکت کنندگان دارای معدلی بالاتر از 16 بوده‌اند.

2. آمار استنباطی

یک) نتایج حاصل از آزمون تی تک‌نمونه‌ای

پس از تبیین اطلاعات جمعیت‌شناختی، به تحلیل نظرات دانشجویان در خصوص اولویتشان نسبت به موضوعات پنج‌گانه می‌پردازیم. برای تحلیل اطلاعات حاصل‌شده، ابتدا از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد. این آزمون زمانی استفاده می‌شود که بخواهیم نمرات به دست آمده از یک پژوهش را با یک عدد ثابت مقایسه کنیم. در این پژوهش با توجه به نوع مقیاس که فاصله‌ای و طیف هفت‌تایی لیکرت است، عدد ثابت و معیار برابر با چهار است. در این آزمون به مقایسه میان میانگین پاسخهای داده شده به موضوعات پنج‌گانه و عدد معیار می‌پردازیم.

در جدول 3، نتایج حاصل از تحلیل تی تک‌نمونه‌ای یا تک‌گروهی آمده است. در این جدول، نمرات متغیرهای اصول عقاید، مسائل اجتماعی عصر حاضر، خانواده و سبک زندگی، اخلاق و فلسفه آن و مباحث فلسفی که حاصل از نظرات نمونه است، با نمره استاندارد چهار مقایسه شده است.

جدول 3: تحلیل تی تک نمونه ای برای مقایسه نمره متغیرها با نمره معیار

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	نمره معیار	T	P
اصول عقاید	5/44	6/88	4	3/89	0/00
مسائل اجتماعی	5/83	7/86	4	4/33	0/00
سبک زندگی	5/80	10/74	4	3/12	0/002
فلسفه اخلاق	5/64	7/12	4	4/28	0/00
مباحث فلسفی	5/78	4/72	4	7/00	0/00

همان گونه که در جدول 3 مشاهده می شود، میانگین نمرات به دست آمده از نمونه با انحراف استاندارد های نمایش داده شده و با توجه به اینکه $P < 0.05$ است، به طور معناداری از نمره معیار چهار بالاتر است که نشان می دهد دانشجویان به بررسی این مباحث نمره ای بالاتر از میانگین چهار داده اند و به بررسی این مباحث در کلاسهای معارف اسلامی تمایل دارند.

دو) نتایج حاصل از آزمون تی وابسته

در این بخش برای تعیین اولویت میان گروههای پنج گانه، از آزمون تی وابسته (زوجی) استفاده شد تا مشخص شود آیا بین میانگین گروههای مذکور، تفاوت معناداری وجود دارد یا خیر؟

جدول 4: آزمون تی وابسته برای بررسی تفاوت میان اصول عقاید و سایر متغیرها

متغیر	سایر متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	T	P
اصول عقاید	مسائل اجتماعی	5/83	7/86	-1/98	0/048
	سبک زندگی	5/80	10/74	-1/21	0/22
	فلسفه اخلاق	5/64	7/12	-1/37	0/17
	مباحث فلسفی	5/78	4/72	-1/35	0/17

همان گونه که در جدول 4 مشاهده می شود، میان نمره اصول عقاید با میانگین 5/44 و متغیر مسائل اجتماعی، از نظر آماری تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0/05$)؛ بدین معنا که بررسی اصول عقاید از منظر دانشجویان در مقایسه با تحلیل مسائل اجتماعی عصر حاضر، اولویت کمتری دارد.

بررسی و تحلیل اولویت‌های فکری دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف 181

جدول 5: آزمون تی وابسته برای بررسی تفاوت میان مسائل اجتماعی و سایر متغیرها

متغیر	سایر متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	T	p
مسائل اجتماعی	سبک زندگی	5/80	10/74	0/109	0/93
	فلسفه اخلاق	5/64	7/12	0/94	0/34
	مباحث فلسفی	5/78	4/72	0/15	0/87

همان‌گونه که در جدول 5 مشاهده می‌شود، میان نمره تحلیل مسائل اجتماعی در عصر حاضر با میانگین 5/83 و سایر متغیرها، از نظر آماری تفاوت معناداری وجود ندارد. ($p > 0/05$)

جدول 6: آزمون تی وابسته برای بررسی تفاوت میان خانواده و سبک زندگی و سایر متغیرها

متغیر	سایر متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	T	P
خانواده و سبک زندگی	فلسفه اخلاق	5/64	7/12	0/56	0/57
	مباحث فلسفی	5/78	4/72	0/05	0/96

همان‌گونه که در جدول 6 مشاهده می‌شود، میان نمره خانواده و سبک زندگی با میانگین 5/80 نیز با سایر متغیرها تفاوت معناداری وجود ندارد. ($p > 0/05$)

جدول 7: آزمون تی وابسته برای بررسی تفاوت اخلاق و فلسفه آن با مباحث فلسفی

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	T	P
فلسفه اخلاق	7/12	4/72	-0/52	0/599
	4/72	6/92		

همان‌گونه که در جدول 7 مشاهده می‌شود، میان نمره مباحث فلسفی نیز با متغیر اخلاق و فلسفه آن، از نظر آماری تفاوت معناداری وجود ندارد. ($p > 0/05$)

از آنچه بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که پاسخگویی به مسائل اجتماعی عصر حاضر و تحلیل آن از منظر دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه صنعتی شریف از بالاترین سطح اولویت برخوردار است و میان

سایر مباحث مطرح در پرسشنامه که شامل موضوعات مرتبط با اصول عقاید، خانواده و سبک زندگی، مباحث اخلاقی و فلسفه آن و مباحث فلسفی است، از منظر آماری تفاوت معناداری وجود ندارد.

ز) بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج حاصل از آزمون تی تک‌نمونه‌ای و همچنین آزمون تی وابسته (زوجی)، به این نتیجه دست می‌یابیم که از منظر دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه صنعتی شریف، بین موضوعات پنج‌گانه مطرح شده در حوزه موضوعات فکری، پرداختن به موضوعات مرتبط با مسائل اجتماعی، از جمله: بررسی شبهات مرتبط با حقوق زن، بررسی لزوم حجاب اجباری در جوامع اسلامی، بررسی حد روابط دختر و پسر، بررسی مفهوم آزادی در عصر حاضر و همچنین بررسی مسئله صلح و خشونت در اسلام، از اولویت بیشتری نسبت به سایر موضوعات برخوردار است و بین موضوعات دیگر از منظر دانشجویان، تفاوت معناداری وجود ندارد. البته با توجه به نتایج حاصل، می‌توان گفت که موضوعات مرتبط با اصول عقاید، خانواده و سبک زندگی، مباحث اخلاقی و فلسفه آن و مباحث فلسفی مانند معرفت‌شناسی و نفس‌شناسی، از منظر دانشجویان بی‌اهمیت نبوده و تمایل به تحلیل و بررسی آنها در میان دانشجویان وجود دارد؛ اما اقبال بیشتر آنان، به تحلیل مسائل اجتماعی عصر حاضر است.

با توجه به موضوعات موجود در سرفصلهای فعلی دروس معارف اسلامی دانشگاهها که عمدتاً معطوف به موضوعات مرتبط با اصول عقاید، خانواده و مباحث اخلاقی است؛ نتیجه می‌گیریم در عین حال که این موضوعات از منظر دانشجویان بی‌اهمیت نبوده و تحلیل آنها برایشان جذاب است، اما لازم است به مسائل اجتماعی عصر حاضر نیز به طور جدی پرداخته شود تا منظومه معرفتی و فکری یکپارچه و دقیقی در ذهن دانشجویان شکل گیرد. آنان در پی بررسی و تبیین مسائل مرتبط با موضوعات اجتماعی، می‌توانند مصادیقی از بحثهای عقلی و کلی را که در حوزه عقاید آموخته‌اند نیز در قامت مسائل اجتماعی مشاهده کنند تا کاربرد مسائل اعتقادی را در حل مسائل و موضوعات اجتماعی عصر حاضر لمس کنند.

درس حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام که در سید مبانی نظری اسلام قرار دارد، می‌تواند تا حدی پاسخگوی برخی از مسائل اجتماعی عصر حاضر باشد؛ اما با توجه به اینکه اولاً، دانشجویان مجبورند بین دروس اندیشه اسلامی 2، انسان در اسلام و حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام، یکی را انتخاب کنند و ثانیاً، سرفصلهای موجود در درس اندیشه اسلامی 2 برای ایجاد منظومه فکری دقیق در ذهن دانشجویان بسیار حیاتی و ضروری است و قابل چشم‌پوشی نیست؛ لذا لازم است به تحلیل مسائل اجتماعی عصر حاضر به

بررسی و تحلیل اولویتهای فکری دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف 183

صورت مستقل و همه‌جانبه پرداخته شود تا اساتید محترم بتوانند با توجه به مسائل مطرح شده در زمانهای مختلف، استانها و شهرهای گوناگون و همچنین جنسیت مخاطبان خود، بر اساس نیازهای آنان به طرح و بررسی مسائل اجتماعی بپردازند.

در خصوص مسائل فلسفی، مانند مباحث معرفت‌شناسی و نفس‌شناسی نیز اقبال دانشجویان در دانشگاه صنعتی شریف مطلوب بوده و همسان با موضوعات اعتقادی، اخلاقی و خانوادگی است. این امر نیز نشان از لزوم توجه به مباحث عمیق عقلی و فلسفی در دانشگاههای تراز اول دارد.

بنابر این، با توجه به اقبال بیشتر دانشجویان به تحلیل مسائل اجتماعی عصر حاضر در کلاسهای معارف اسلامی و همچنین تمرکز اندک کتب موجود دروس معارف اسلامی بر تحلیل این مسائل، می‌توان نتیجه گرفت که اولاً، برای دستیابی به ارتباط مطلوب میان استادان و دانشجویان در این دروس و ثانیاً، حل مشکلات فکری دانشجویان در این زمینه، لازم است محلی مناسب برای تحلیل مسائل اجتماعی در سرفصلهای دروس معارف اسلامی در نظر گرفته شود. البته این مطلب به معنای غیر مفید بودن مباحث فعلی دروس معارف اسلامی از منظر دانشجویان نبوده و آنان همچنان به حل مباحث موجود این دروس، به نحوی مطلوب و مستدل امید بسته‌اند.

پیشنهادها

با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود:

پژوهشهایی شبیه به پژوهش حاضر در دانشگاههای مختلف کشور انجام گیرد تا در پی آن بتوان به مقایسه نظرات دانشجویان دانشگاههای گوناگون دست یافت؛ چراکه تنها پس از دست یافتن به آرای همه اقشار دانشجویی می‌توان به طرحی کلی در زمینه سرفصلهای دروس معارف اسلامی دست یافت.

در دانشگاه صنعتی شریف نیز باید چنین پژوهشهایی در فاصله‌های زمانی مطلوب تکرار شود تا سیر تطور فکری و سلاقی دانشجویان این دانشگاه در بستر زمان رصد شود تا در صورت تغییر این سلاقی، راهکارهای مناسب برای آن اندیشیده شود.

با توجه به مشخص شدن اولویت برای پرداختن به مسائل اجتماعی عصر حاضر از منظر دانشجویان، بایسته است در پژوهشی مستقل، به صورت دقیق و همه‌جانبه، مسائل اجتماعی عصر حاضر که می‌تواند مورد علاقه دانشجویان باشد، مشخص شده و اولویت این مسائل نسبت به یکدیگر سنجیده شود تا بتوان بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، به برنامه‌ریزی بهتری دست یافت.



منابع

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (1375). *الاشارات و التنبيهات*. قم: نشر البلاغه.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (2007). *رساله احوال النفس*. پاریس: دار بیلیون.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (1383). *رساله نفس*. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (1980). *عیون الحکمه*. بیروت: دارالقلم.
- جوادی آملی، عبدالله (1378). *تبیین براهین اثبات خدا*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (1382/الف). *رحیق مختوم*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (1382/ب). *مراحل اخلاق در قرآن*. قم: اسراء.
- حسینی اردکانی، احمد بن محمد (1375). *موات الاکوان*. تهران: میراث مکتوب.
- حلیمی جلودار، حبیب‌الله (1394). «جستاری در میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی و عوامل مؤثر بر آن». *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ش 64.
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی (1380). *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (1981 م). *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*. بیروت: دار احیاء التراث.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (1360). *الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه*. مشهد: مرکز الجامعی للنشر.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (1354). *المبدأ و المعاد*. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (1422 ق). *شرح الهدایه الاثربیه*. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- طباطبایی، محمدحسین (1374). *المیزان فی تفسیر القرآن*. محمدباقر موسوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فارابی، ابو نصر (1405). *فصول منتزعه*. تهران: المکتبه الزهرا.
- فیروزی، رضا (1394). «آسیب‌شناسی دروس و جایگاه استادان معارف اسلامی با توجه به دیدگاه‌های دانشجویان علوم پزشکی ارومیه در دوره‌های دکتری حرفه‌ای». *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ش 63.
- مجیدی، محمدرضا و ابوالقاسم فاتحی (1385). «بررسی سنجش تکرش دانشجویان نسبت به برنامه‌ریزی دروس معارف اسلامی». *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ش 41.
- یوسفی لویه، وحید (1386). «تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر تکرش دینی دانشجویان». *تربیت اسلامی*، ش 5.
- Avicenna, H. (2007). *Ahval e Nafs*. Paris: Biblion.
- Avicenna, H. (1996). *Alesharat va Altanbihat*. Ghom: Albalagheh.
- Avicenna, H. (2004). *Nafs*. Hamedan: Avicenna university.
- Avicenna, H. (1980). *Ooyon Alhekma*. Beirut: Alghalam.
- Farabi, A. (1984). *Fosol Montazea*. Tehran: Alzahra.
- Firuzi, R. (2015). "Pathology Courses and the Professors of Islamic Studies with Regard to the Views of Students of Medical Sciences". *The Knowledge Studies in the Islamic University*, No 63.

- Halimi Jelodar, H. (2015). **“Essay on the Tendency of Students to Take Islamic Studies Courses and the Factors Influencing it”**. *The Knowledge Studies in the Islamic University*, No. 64.
- Hoseynee Ardakani, A. (1996). **Merat o Alakvan**. Tehran: Miras Maktob.
- Javadi Amoli, A. (2003). **Ethics in the Qur'an**. Ghom: Esra.
- Javadi Amoli, A. (1999). **Explaining the Proofs of the Existence of God**. Ghom: Esra.
- Javadi Amoli, A. (2003). **Rahigh Makhtom**. Ghom: Esra
- Majidi, M.R. & A. Fatehi (2006). **“Evaluating the Views of Students about Islamic Knowledge Lessens Planning, Research and Planning in Suprime Education”**. No 41.
- Sadrodin, M. (1981). **Alhikmah almta'aliya fi alsafar alqliyat alarba'ah**. Beirut: Dar Ehya Altoras.
- Sadrodin, M. (1975). **Almabda va Almaad**. Tehran: Iranian Philosophy and Philosophy Society.
- Sadrodin, M. (1981). **Alshavahe Alrobobiyah**. Mashhad: Aljame Lelnashr.
- Sadrodin, M. (2001). **Sharh Alhedaye Alasiriyah**. Beirut: Altarikh Alarabiyah.
- Suhrawardi, S. (2001). **Sheikh Ishraq Contemplation**. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Tabatabaee, M. (1995). **Almizan Interpretation**. Ghom: Islamic Publishing office.
- Yousefi Louyeh, V. (2007). **“The Effect of Education of Islamic Teachings on Religious Motivation”**. *Two Quarterly Periodical Islamic Education*, No 5.

